

آشفته‌گی رسانه‌ای و پیشنهادی برای آن

دست و پای رسانه‌های مستقل را باز بگذارید تا به پیکار رسانه‌های مغرض بروند.

به گزارش سایت خبری پرسون، برحسب علاقه و حضور در رسانه‌ها طی چند روز گذشته نحوه پوشش اخبار تحولات استان خوزستان را رصد کردم. صرفنظر از اینکه دو سوی ماجرا چه می‌گویند و حق با کدام است باید اذعان نمود که در این فقره با آشفتگی و شلختگی محض رسانه‌ای مواجه هستیم.

من رویکرد رسانه‌ها در قبال این موضوع را به سه دسته تقسیم می‌کنم. آنان که بغض و کینه دارند و به دنبال مسائل دیگری هستند و اصولاً دغدغه و رنج مردم وسیله‌ای برای امرار معاش و کاسبی سیاسی است، آنان که صرفاً در هر بحرانی به دنبال توجیه و سرپوش گذاشتن بر مشکلات هستند و آنان که حرفه‌ای و بی‌طرف هستند اما در سکوت تقریباً کامل بسر می‌برند.

بهرحال تکلیف گروه نخست که مشخص است. این رسانه‌ها که عموماً در خارج از کشور حضور دارند و بودجه‌های شان مشکوک و کثیف است هر مسئله در ایران را پروژه‌ای تعریف می‌کنند برای رسیدن به هدف غائی خود. مقصود نهایی آنان آشوب و بلوا و از بین رفتن آرامش در کشور است. چندی پیش که به دلیل ضرورت یکی از این شبکه‌های خارج نشین را تماشا می‌کردم رسماً در حال تئوریزه تجزیه ایران بودند و توجیه می‌نمودند این موضوع منافاتی با وطن پرستی ندارد! نمی‌خواهم بگویم این رسانه‌ها دنبال کننده ندارند، دارند اما با آگاهی نسبی که در میان مردم ایجاد شده جامعه مطالب و محتوای این رسانه‌ها را نیز دربست نمی‌پذیرد. هر چند در نهایت چنین رسانه‌هایی که انصافاً خوش آب و رنگ نیز هستند می‌توانند در ذهن مردم تاثیر مخربی بگذارند.

گروه دوم که تکلیف اش مشخص است. راس این گروه صدا و سیماست که به قول دوستی‌ای کاش این رسانه و رسانه‌های همفکر آن حداقل تا چند روز اخبار خوزستان را پوشش نمی‌دادند. نحوه ورود صدا و سیما به مسائل خوزستان و پرداخت آن به واقع موجب رنجش بیشتر مردم این خطه می‌شود. مردم وقتی می‌بینند مسائل وارونه و مصنوعی منتقل می‌شود برآشفته می‌شوند.

اما گروه سومی هستند که در سکوت بسر می‌برند. چرا سکوت؟ و چرا علیرغم آنکه حرفه‌ای و کاربلد هستند ورود چندانی به موضوع ندارند؟ ریشه آن در نگاه غلط و سلیقه‌ای ناظران، به مطبوعات و کلاً رسانه‌هاست. نه در این موضوع که در موضوعات مختلف و متنوعی که در طول سالیان گذشته در این کشور رخ داده آنقدر محدودیت و معذوریت‌های ریز و درشت برای رسانه‌های مستقل داخلی اعمال شده که تقریباً این رسانه‌ها از نفس افتاده و عطای کار حرفه‌ای را به لقایش بخشیدند. آنان دست روی دست گذشته و در چنین مواقعی صرفاً ناظر و بازنشر کننده اخبار رسمی هستند. حال سوال این است: ترکیب مذکور نتیجه‌اش چه بوده؟ نتیجه آن بوده مرجعیت رسانه در داخل کشور نباشد و مثلاً لندن باشد. یعنی مردم به جای آنکه در روزنامه‌ها، خبرگزاری‌ها و سایت‌های داخلی اخبار و گزارش‌های خوزستان را رصد کنند پناه می‌برند به رسانه‌های فارسی زبان خارجی که بغض شان محرز است.

بنده بارها و بارها در جلسات مختلف و متنوعی که در حضور مسئولان مرتبط برگزار شده است در این مورد هشدار داده و توصیه‌هایی کرده‌ام. دست و پای رسانه‌های مستقل را باز باید کرد و به پیکار رسانه‌های مغرض فرستاد. وقتی می‌گوییم حمایت منظور حمایت مالی نیست بلکه حمایت از آزادی رسانه است. مثل روز روشن است همانطور که اخبار صدا و سیما محل اشکال است اخبار رسانه‌های فارسی زبان از خوزستان دقیق نیست و با ترفند های ژورنالیستی تلاش دارند حقوق مردم خوزستان به محاق برود. اکنون جای رسانه و خبرنگار مستقل در تحولات خوزستان خالی است.

نویسنده: محمد جواد پهلوان، حقوقدان و استاد دانشگاه